

ارزیابی ترجمه‌های معاصر فارسی قرآن کریم مشمتمل بر ماده «حشر»

۱- کاووس روحی برندق* ۲- علی حاجی خانی. ۳- محسن فریادرس

۱- استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران

۲- استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۲۷)

چکیده

انتقال علوم و معارف از هر زبانی به زبان دیگر، از راه ترجمه ممکن و میسر است. اما این جریان انتقال، با وجود نقاط مثبت، نقاط ضعف نیز دارد. توجه و حساسیت پیرامون این امر در قرآن کریم بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا از منبعی برتر از ماده سرچشمه می‌گیرد. یکی از این موارد ضعف، در معنائشناسی و معادل‌یابی واژه «حشر» و مشتقات آن دیده می‌شود. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و تحلیلی جامع و کامل درباره معادل‌یابی این واژه پرداخته است و بدین نتیجه دست یافته است که معادل حقیقی و جامع این واژه، «جمع نمودن و سوق دادن به سوی قیامت» همراه با قید «اجبار» است، اما این معنای جامع در ترجمه‌های فارسی معاصر از جمله، ترجمه‌های آیتی، الهی قمشه‌ای، رضایی، صفارزاده، فولادوند، کاویان‌پور، مجتنبوی، مشکینی، مصباح‌زاده، معزی و مکارم شیرزای رعایت نشده است و تنها الهی قمشه‌ای در یک مورد، آن هم به صورت ناقص، بدان اشاره کرده است.

واژگان کلیدی: قرآن، ترجمه‌های معاصر، ماده «حشر».

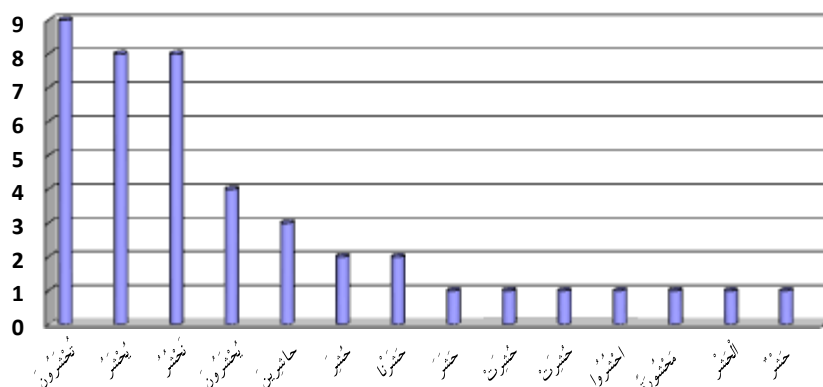
مقدمه

انتقال علوم و معارف زبان‌های دیگر برای بهره‌گیری و تضارب آراء، از سده‌های بسیار دور به صورت پیوسته و منسجم وجود داشته است. این جریان انتقال که از راه ترجمه میسر است، صرفاً به انتقال معنا از زبان مبدأ به مقصد محدود نمی‌شود، بلکه رعایت آگاهی کامل بر هر دو زبان، توجه دقیق به موضوع و متن و نیز نوع نگارش از مؤلفه‌های دیگر ترجمه است. رعایت این وجه در قرآن کریم به مراتب بیشتر و بااهمیت‌تر است. حساسیت قرآن از آنجا ناشی می‌شود که از منبعی برتر از ماده‌نشأت گرفته است و منبعی برای هدایت بشر در تمام اعصار است. بررسی ترجمه‌های قرآن به زبان فارسی، بیانگر آن است که در انتقال معنا در این ترجمه‌ها، با وجود نقاط مثبت، نقاط ضعف فراوانی وجود دارد. یکی از موارد کاستی ترجمه‌ها، ماده «حشر» است که ارائه ترجمه صحیح برای آن، نیازمند معادل‌یابی صحیح این واژه در کتب «لغت، وجوه، نظائر و تفاسیر» است. بررسی‌های انجام‌شده در این کتب حاکی از این است که عمدتاً این کتب معنای «جمع» و «سوق دادن» را برای این واژه برگزیده‌اند. بر این اساس، این مقاله در ابتدا با دقت بسیار، ماده «حشر» و مشتقات آن را در کتب «لغت، وجوه، نظائر و تفسیر» در تمام موارد استعمال قرآنی در حوزه معنایی قیامت معادل‌یابی کرده است و آنگاه از میان ترجمه‌های قرآن، ترجمه‌های معاصر قرآن، شامل ترجمه‌های آیتی، الهی قمشه‌ای، رضایی، صفارزاده، فولادوند، کاویان‌پور، مجتبوی، مشکینی، مصباح‌زاده، معزی و مکارم شیرازی را با دیدی دقیق و موشکافانه و نیز ارائه نمودار بررسی کرده است و در پایان، به نقد تحلیلی جامع از این ترجمه‌ها پرداخته است و ترجمه پیشنهادی را که انعکاس صحیحی از این واژه را داراست، ارائه می‌دهد. گرچه درباره معادل‌یابی این ماده در تفاسیر و ذیل آیات مربوط^۱، لایه‌لای کتاب‌های اُضداد^۲ و پایان‌نامه‌ها^۳ بحث‌هایی شده است، لیکن در این تألیف‌ها و آثار، پژوهشی جامع که انعکاسی جامع در بررسی استدلال‌های لغویون، مفسرین و کتب وجوه و نظائر در معادل‌یابی این واژه باشد و آنگاه ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن را از این حیث بررسی نماید، وجود ندارد.

۱- مشتقات «حشر» در قرآن کریم

واژه «حشر» مصدر ثلاثی مجرد از ریشه «ح ش ر» است که با مشتقات آن ۴۳ مرتبه در ۲۸ سوره قرآن به کار رفته است. کارکرد نموداری مشتقات این واژه در نمودار زیر نشان داده شده است:

نمودار شماره ۱



از آنجا که موضوع این تحقیق، پیرامون تحلیل واژه «حشر» در روز قیامت است، از نمودارهای آماری فوق، سی و شش (۳۶) مرتبه پیرامون قیامت و هفت (۷) مورد دیگر در باب دیگر موضوع‌هاست^۴ که این بسامد موضوعی در قیامت عبارت است از:

«حَشْرَتٌ» (طه/ ۱۲۵)، «حَشْرُنَا» (الأنعام/ ۱۱۱ و الکهف/ ۴۷)، «حُشِرَ» (الأحقاف/ ۶)، «حُشِرَتِ» (التکویر/ ۵)، «يُحْشَرُ» (طه/ ۵۹؛ الأنعام/ ۱۲۸؛ یونس/ ۴۵؛ الحجر/ ۲۵؛ الفرقان/ ۱۷؛ سبأ/ ۴۰؛ النساء/ ۱۷۲ و فصلت/ ۱۹)، «يُحْشَرُونَ» (الأنعام/ ۳۸ و ۵۱؛ الفرقان/ ۳۴ و الأنفال/ ۳۶)، «تُحْشَرُونَ» (البقره/ ۲۰۳؛ آل عمران/ ۱۲ و ۱۵۸؛ المائدة/ ۹۶؛ الأنعام/ ۷۲؛ الأنفال/ ۲۴؛ المؤمنون/ ۷۹؛ المجادله/ ۹ و الملك/ ۲۴)، «نَحْشُرُ» (التمل/ ۸۳؛ یونس/ ۲۸؛ الإسراء/ ۹۷؛ مریم/ ۶۸ و طه/ ۱۰۲ و ۱۲۴ و الأنعام/ ۲۲)، «أَحْشَرُوا» (الصافات/ ۲۲)، «حَاشِرِينَ» و «حَشْرٌ» (ق/ ۴۴).

۲- مفهوم ماده «حشر» در کتب «لغت»

کهن‌ترین نویسنده کتب لغت، دو وجه معنایی «حشر (گرد آمدن) و موت (مرگ)»^۵ را برای «حشر» ذکر کرده است که آیه ﴿ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾ (الأنعام/ ۳۸) نیز بدان اشاره دارد. بر این اساس، فراهیدی بیان می‌دارد: «محشر جایگاهی (مجمعی) است که قوم و گروه‌ها در آن گرد می‌آیند، همان‌گونه که عرب نیز این معنا را به کار می‌برد، آنجا که می‌گوید: «حَشَرْتَهُمْ السَّنَةَ: قحطی آنها را از سایر نواحی به هم ضمیمه می‌کند» (فراهیدی، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۹۲). اما ابن‌فارس معتقد است که «حشر» به معنای «سوق دادن و برانگیختن» است و از قول اهل لغت نقل می‌کند که آن را به معنای «جمع شدن همراه با سوق دادن» در نظر گرفته‌اند. لذا «حشر» در «حَشَرْتُ مَالَ بَنِي فُلَانٍ السَّنَةَ» به معنای «جَمَعْتَهُ، ذَهَبْتُ بِهِ وَ أَتَتْ عَلَيْهِ: آن را جمع کرد، برد و آورد» است (ر.ک؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۶۶-۶۷). این واژه در تطوّر معنایی خود، از معنای اولیّه «گردآوری یا جمع شدن همراه با سوق دادن» بر معنای دیگری همچون «خارج کردن و راندن گروهی انسان یا غیرانسان از جایگاه خود به سوی جنگ و مانند آن» نیز اطلاق گردیده است که تنها درباره «جماعت و گروه» به کار می‌رود؛ مانند: ﴿وَأَبْعَثُ فِي الْمُدَائِنِ حَاشِرِينَ﴾ (الشعراء/ ۳۶) (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۳۷).

با وجود این، به نظر می‌رسد که مقصود از «خارج شدن» در کلام صاحب مفردات، همان «سوق دادن» است؛ زیرا در هر دو معنا، مراد همان حرکت دادن با زور از یک محل به محل دیگر است که در هر دو صورت معنایی، چنین معنایی دیده می‌شود. در هر حال، باید عنایت داشت که لغویون بعد از راغب، علاوه بر معنای ارائه شده از سوی ایشان، از معنای دیگر صاحبان کتب لغت قبل از راغب نیز بهره جستند و در صدد ارائه معنای جامع‌تری برآمدند؛ به عنوان نمونه، ابن‌منظور، طریحی و زبیدی با بیان مثال‌هایی از قرآن، حدیث، زبان عرب و استشهادهای شعری، بحث را طولانی نموده‌اند و بر آنند که واژه «حشر» بر «جمع کردن با کثرت، سوق یا کوچ دادن با اجبار، خارج شدن با نفیر و مرگ» دلالت دارد (ر.ک؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۱۹۰؛ طریحی، ۱۳۷۵ق، ج ۲۶۸ و زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۲۷۶) و یا صاحب مصباح‌المنیر دو معنای «جمع و جمع کردن همراه با سوق دادن» را برای این واژه ذکر کرده است (ر.ک؛

فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۱۳۶). لذا مصطفوی سه قید «برانگیختن، سوق دادن و اجتماع» را در معنای کلمه «حشر» ملحوظ می‌داند و همین قیدها را فارق بین «حشر» و کلمات «بعث، نشر، سوق، جمع و...» ذکر می‌کند (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۲۲۴).

اما در کتب وجوه و نظائر، دو وجه «جمع کردن» و «سوق دادن» برای این واژه ذکر شده است؛ به عنوان نمونه وقتی گفته می‌شود: ﴿وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾؛ یعنی «مشرکین و کسانی که غیر خداوند را می‌پرستند، جمع می‌شوند» و یا وقتی که گفته می‌شود: ﴿أَحْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾؛ یعنی «مشرکان سوق داده می‌شوند» (ر.ک؛ عود، ۱۴۰۹ق: ۱۶۳؛ بلخی، ۱۴۲۷ق: ۱۷۶ و دامغانی، ۱۹۸۰م: ۱۳۴-۱۳۳) که ابوهلال عسکری اصل آن را «جمع کردن همراه با سوق دادن» برمی‌شمارد و در تبیین این امر، آیه ﴿وَأَبْعَثُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ﴾ را به عنوان نمونه به معنای «حَشَرَتِ الْقَوْمَ إِذَا جَمَعْتَهُمْ وَسَقَتَهُمْ» بیان می‌کند و آنگاه همانند صاحبان دیگر کتب وجوه و نظائر، آن را به دو دسته «جمع و سوق» تقسیم می‌کند (ر.ک؛ عسکری، ۲۰۰۷م: ۱۸۴-۱۸۳). هرچند که در کتب أضداد، این واژه به عنوان یکی از واژگان «أضداد» با دو معنای «جمع» و «موت» در نظر گرفته شده است^۷ (ر.ک؛ سجستانی، ۱۴۱۱م: ۲۳۹؛ حلبی اللغوی، ۱۹۶۳م: ۱۳۹-۱۳۸ و بطرس، ۱۴۲۴م: ۱۳۴).

بنابراین، «حشر» در کتب لغت بر چهار معنای «مرگ (رجوع به سوی خدا)»، «جمع کردن»، «برانگیختن یا خارج کردن» و «سوق دادن با اجبار» از امور اجتماعی برای گروه یا جماعت دلالت دارد. لذا بر اساس آنچه که از سوی لغویون ارائه شده است، می‌توان معنای لغوی این واژه را در روز قیامت، بدین صورت بیان کرد: «گروه‌ها بعد از امامت و مرگ، جمع‌آوری شده است و آنگاه برانگیخته شده، در نهایت، به سوی مجمعی که برای آنها فراهم شده است، با زور و فشار سوق داده می‌شوند». هرچند صاحبان کتب وجوه و نظائر از معنای لغوی این واژه، تنها دو معنای «جمع کردن» و «سوق دادن» با اجبار را در وجوه معنایی این واژه مطمح نظر داشته‌اند و معنای دیگر را ذکر نکرده‌اند.

۳- مفهوم «حشر» در تفاسیر

طبری و زمخشری در بیشتر موارد، معنای این واژه را «جمع نمودن» برمی‌شمارند (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۲۶؛ همان، ج ۷: ۱۵۵؛ همان، ج ۸: ۲۵؛ همان: ۲۵؛ همان، ج ۹: ۱۲؛ همان، ج ۱۱: ۸۴؛ همان، ج ۱۵: ۱۱۲؛ همان: ۱۶۸؛ همان، ج ۱۶: ۹۵؛ همان: ۱۳۵؛ همان، ج ۱۹: ۴۵؛ همان: ۸۸؛ همان، ج ۲۰: ۱۲؛ همان، ج ۲۳: ۸۷؛ همان، ج ۲۶: ۴؛ همان: ۱۱۴؛ همان، ج ۲۸: ۱۲؛ همان، ج ۲۹: ۷؛ همان، ج ۳۰: ۲۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۳۱؛ همان، ج ۲: ۷۲۶؛ همان، ج ۳: ۴۲؛ همان، ج ۴: ۶۹۶؛ همان: ۷۰۶ و همان، ج ۲۱: ۴۶۹). زمخشری در بیان این معنا، «مَحْشُورَةً» را در مقابل «يَسْبِحْنَ (حرکت کردن)» می‌داند، هرچند که «حشر» مانند «تسبیح» دلالت بر حدوث تدریجی ندارد، لذا به جای صورت فعلی، صورت اسمی کاربرد دارد (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۶۸۰؛ همان، ج ۲: ۲۱۹ و..). اما طبری دلیلی خاص بر این امر اقامه نمی‌کند و صرفاً با توجه به تحذیر موجود در آیه، این معنا را بیان کرده است؛ بدین معنا که آیه ﴿وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ (الأنعام/۷۲) بیان می‌دارد که تقوای الهی را به پا دارید و از عدم انجام طاعات بترسید و پرهیز کنید؛ زیرا پروردگار شما، پروردگار جهانیان است که در روز قیامت در پیشگاه او جمع می‌شوید و جزای اعمال خود را می‌بینید (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۷: ۱۵۵). اما در پاره‌ای از آیات، معنای «بازگشت به سوی خدا» را برای این واژه برمی‌گزیند (ر.ک؛ همان، ج ۷: ۴۹؛ همان، ج ۲: ۱۸۱ و همان، ج ۷: ۴۹).

فخر رازی، قرطبی و آلوسی نیز بر آنند که این واژه به معنای «جمع کردن اجزای متفرق هر چیز (اعم از انسان‌ها، روح و جسم یک انسان و...)» است (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۲۷۴؛ همان، ج ۲۱: ۴۶۹؛ همان، ج ۲۸: ۱۵۷؛ همان، ج ۲۹: ۵۰۲؛ همان، ج ۳۱: ۶۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۸: ۲؛ همان، ج ۱۹: ۲۲۹؛ همان، ج ۶: ۴۲۱؛ همان، ج ۱۰: ۳۳۳؛ همان، ج ۱۲: ۱۴۴؛ همان، ج ۱۳: ۱۶۷؛ همان: ۲۳۸؛ همان، ج ۱۴: ۳۰۸؛ همان، ج ۱۵: ۱۶۱؛ همان، ج ۱۷: ۲۹۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۴۹۰؛ همان، ج ۲: ۹۲؛ همان، ج ۴: ۱۱۵ و همان، ج ۶: ۱۲۱). لذا صاحب روح‌المعانی مراد از بخش پایانی آیه ﴿وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُعَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾ (الکهف/۴۷) را «جمع کردن در توقف‌گاه بعد از بیرون

آمدن از قبرها و پراکنده شدن» می‌داند و دلیل آن را دو فعل ماضی «تَسَيَّرُ» و «تَرَى» که دلالت بر تحقق متفرع بودن «حشر» بر برانگیختن می‌داند که منکران آن را انکار می‌کنند (ر.ک؛ همان، ج ۸: ۲۷۳؛ همان، ج ۹: ۲۵۷؛ همان، ج ۱۰: ۸۰؛ همان: ۱۶۸؛ همان، ج ۱۵: ۲۳۱ و همان، ج ۱۵: ۲۵۵). اما هر یک از فخر رازی و قرطبی در یک مورد نیز آن را «برانگیختن» معنا می‌کنند (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ۳۴۳ و قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۱: ۱۳۲) که فخر رازی «برانگیختن» را در آیه **﴿...وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾** (البقره/ ۲۰۳) بهترین دلیل بر تقوا می‌داند؛ زیرا افرادی که تصوّر می‌کنند هرگز کسی مورد «حشر، محاسبه و سؤال» واقع نمی‌شوند، بهترین دلیل برای آنها، تقواست. لذا «حشر» اسمی است برای هنگام خارج شدن آنها از قبرها به سوی مکانی که در آن توقف دارند^۱ (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ۳۴۳). با وجود این، آلوسی قید «سوق دادن» به سوی محشر را در آیه **﴿فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا﴾** (مریم/ ۶۸)، بعد از زنده بیرون کردن و جمع نمودن اضافه می‌کند و تصریح می‌کند که قَسَمٌ موجود در آیه، بر ابلغ وجهها بر آن، به جز «بعث: برانگیختن» دلالت دارد (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۲۴۸ و همان، ج ۸: ۴۳۴).

طوسی نیز معنای ترکیبی «جمع کردن قوم با سوق از نواحی مختلف به سوی مکانی واحد» را برای این واژه بیان می‌دارد و بر این اساس، روز حشر را به این دلیل «یوم الحشر» می‌نامد که از نواحی مختلف، مردم به سوی مکانی واحد جمع می‌شوند (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج ۲: ۱۷۷؛ همان، ج ۶: ۳۳۰؛ همان، ج ۸: ۱۹-۱۸؛ همان، ج ۱۰: ۲۵۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۳۲؛ همان: ۷۰۷؛ همان، ج ۴: ۴۹۵، ۵۶۴، ۷۰۸، ۸۲۱ و ۸۳۲؛ همان، ج ۵: ۱۶۰ و ۱۷۲؛ همان، ج ۶: ۶۸۲، ۷۳۲ و ۸۲۰ و همان، ج ۱۰: ۶۷۳) که صاحب مجمع‌البیان با استشهاد به قول عرب «حَشَرْتَهُمُ السَّنَةُ: قحطی آنها را از نواحی دیگر به مکانی ضمیمه (جمع) می‌کند» (ر.ک؛ همان، ج ۲: ۵۳۲) و اینکه بدین دلیل به پیامبر اکرم^(ص) «حاشر» می‌گویند که مردم را به دنبال خود گرد آورده و جمع می‌نمود او آنان را به مسیر حق سوق می‌داد، چنین معنا را بیان می‌کند (ر.ک؛ همان، ج ۲: ۷۰۷). با وجود این، طوسی و طبرسی در پاره‌ای از آیات، همچون **﴿فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا﴾** (النساء/ ۱۷۲)، قید «برانگیختن از قبور» را قبل از معنای فوق اضافه می‌کنند که بر این اساس، مقصود از آن، برانگیختن دسته‌جمعی آنها در روز

قیامت است که در موعد خود نزد خداوند جمع می‌شوند (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج ۳: ۴۰۴؛ همان، ج ۵: ۳۶۷؛ همان، ج ۸: ۴۹۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۲۲۵؛ همان، ج ۴: ۴۳۸ و همان، ج ۱۰: ۴۹۴). اما پراکندگی معنا برای این واژه در تفسیر مجمع‌البیان به گونه‌ای است که معادل‌های «جمع کردن و برانگیختن» (ر.ک؛ همان، ج ۶: ۸۰۸)، «مرگ (مَرَجِعْكُمْ إِلَى اللَّهِ)» (ر.ک؛ همان، ج ۲: ۸۶۷ و ج ۳: ۳۸۱) و «خارج کردن» (ر.ک؛ همان، ج ۷: ۵۶) نیز ذکر شده است.

رویکرد موجود در تفسیر المیزان و مِن وَحَى الْقُرْآن دربارهٔ واژه «حشر»، از قول راغب اصفهانی عبارت است از «جمع کردن مردم با اجبار و زور از جایگاه خود و آنگاه خارج کردن و کوچ دادن (سوق دادن) آنها با اجبار به سوی جنگ و لقای خداوند یا مانند آن از امور اجتماعی بعد از بعث و برانگیختن» (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۸۳؛ همان، ج ۳: ۹۲؛ همان، ج ۷: ۴۹؛ همان، ج ۱۴: ۸۸ و ۱۷۳؛ همان، ج ۱۵: ۵۴؛ همان، ج ۱۸: ۱۸۸ و ۳۶۱؛ همان، ج ۱۹: ۲۰۱؛ همان، ج ۲۰: ۲۱۴؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۹۸ و ۱۱۳؛ همان، ج ۵: ۲۴۷ و همان، ج ۹: ۹۴ و ۲۷۲). به عنوان نمونه، در آیه ﴿وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾ (فصلت/ ۱۹) که مراد از «حشر دشمنان خدا به سوی آتش» این است که ایشان را از قبرها به سوی محشر بیرون کنند تا در آنجا بازخواست شوند و به حساب آنها رسیدگی شود (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵: ۳۵۲) و ﴿وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ (المؤمنون/ ۷۹) معنای آن این است که خداوند هستی شما را به زمین متعلق کرد تا دوباره شما را جمع نماید و به لقای خویش بازگشت دهد (خارج کند و سوق دهد) (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵: ۵۴). همان‌گونه که ﴿أَنْتُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ در آیه ﴿وَإِذْ كَرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ (البقره/ ۲۰۳)، اشارهٔ لطیفی به حشر حاجیان دارد که همه در مینی و عرفات یک جا جمع می‌شوند و باید از این حشر، افاضه و کوچ کردن، به یاد روزی بیفتند که همهٔ مردم به سوی خدا محشور می‌شوند (ر.ک؛ همان، ج ۲: ۸۳).

جوادی‌آملی نیز با بیان همان مفاهیم بیان شده در کتاب مفردات و التحقیق می‌نویسد: «خداوند از مسلمانانی که از گوشه و کنار دنیا آمده‌اند و در سرزمین مینی جمع شده‌اند،

می‌خواهد که از این محشر و مجمع دنیایی به آن محشر اعظم و مجمع اکبر (قیامت کبری) منتقل شوند: ﴿فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ﴾ (یس / ۵۱) و بدانند که روز قیامت خواهد آمد و در محضر پروردگارشان جمع می‌شوند. پس تقوا و پرهیزگاری را سرلوحه کارهایشان قرار دهند (ر.ک؛ جوادی‌آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۱۹۵). با بررسی تفاسیر فوق، این نتیجه به دست می‌آید که مفسرین در اغلب موارد، معنای «جمع کردن و آنگاه سوق دادن با اجبار از اماکن مختلف به سوی مکانی واحد» را برای این واژه در نظر دارند. اما معنای «برانگیختن از قبور» محل تردید است؛ بدین معنا که برخی معتقدند «حشر» به ترتیب دارای معنای «برانگیختن، جمع کردن و سوق دادن با اجبار» است و برخی دیگر برآنند که «برانگیختن از قبور» معنایی جدا از حشر است و معنای «حشر» همان معنای «جمع کردن و آنگاه سوق دادن با اجبار از اماکن مختلف به سوی مکانی واحد» است.

به هر روی، با بررسی واژه «حشر» در کتب «لغت، وجوه و نظائر و تفاسیر»، معنای «مرگ (رجوع به سوی خدا)»، «جمع کردن»، «برانگیختن یا خارج کردن» و «سوق دادن یا خارج کردن با اجبار از مکان مبدأ» در معنای حشر وجود دارد. اتفاق تمام لغویون، مفسرین و صاحبان کتب وجوه و نظائر بر معنای «جمع از محل‌های گوناگون و سوق دادن آنها به سوی یک محل واحد» کاملاً واضح است. معنای «موت» نیز از معنای این واژه خارج است؛ زیرا علاوه بر اینکه لغویون و مفسرین، این معنا را به عنوان قول ضعیف بیان می‌دارند، صاحبان کتب وجوه و نظائر نیز این معنا را برای این واژه بیان نمی‌کنند. اما درباره اینکه آیا «بعث: برانگیختن» در معنای این واژه وارد است یا خیر، اختلاف‌هایی وجود دارد، به نحوی که برخی لغویون و مفسرین همچون صاحب التحقیق و تفسیر تسنیم این معنا را در این واژه داخل می‌دانند.

جدا از این امور، سیاق برخی آیات قرآن نیز به این امر اشاره دارد که مقابله بین «نَحْشُرُ» و «نَسُوقُ» در آیه ﴿يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا * وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَرِدًا﴾ (مریم / ۸۶-۸۵)، علاوه بر اینکه بر معنای «جمع کردن» دلالت دارد، معنای «سوق دادن» نیز در معنای این واژه موجود است و کاملاً واضح است که قید «اجبار» در جمع کردن و سوق دادن نیز وجود دارد. همچنین، پیرامون معنای «موت» این نکته حائز اهمیت است که خداوند متعال در آیه ﴿وَلَئِن مَّتَّمُّ أَوْ قَتَلْتُم لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ﴾ (آل عمران / ۱۵۸)، «حشر»

را بعد از «اماته» که همان «رجوع به سوی خدا» است، ذکر می‌فرماید؛ بدین معنا که از این آیه چنین استنباط می‌شود که «حشر» چیزی جدای از «موت» است؛ زیرا طبق این آیه، شخص ابتدا می‌میرد و آنگاه حشر می‌شود، در غیر این صورت، دلیلی نداشت که «موت» را جدا از «حشر» ذکر نماید. اما پیرامون معنای برانگیختن، این امر شایسته توجه است که مفسرین هیچ دلیلی برای این امر اقامه نمی‌کنند و صرفاً در بیان معنا یا تفسیر آیه، به جای واژه «حشر»، از واژه «بعث» استفاده می‌کنند. همچنین در میان لغویون نیز تنها ابن فارس و مصطفوی این معنا را بیان می‌کنند که چون هر کلمه‌ای با فاء‌الفعل «حاء» و عین‌الفعل «شین» بر معنای جمع و امتلاء دلالت می‌کند؛ مانند حشد (جمع کردن) و حشم (گروه خدمت‌گزاران)، لذا صاحب مقایس‌اللغة، «حشر» را قریب‌المعنی واژه «حشد» می‌داند و تنها زیادت معنای موجود در آن را همین «بعث و سوق دادن» برمی‌شمارد (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۶۸). بر این اساس، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در معنای این واژه، «جمع کردن مردم با اجبار و زور از جایگاه آنان و آنگاه خارج کردن و کوچ دادن (سوق دادن) آنها با اجبار به سوی جنگ و لقای خداوند یا مانند آن از امور اجتماعی» مد نظر است.

۴- برگردان مشتقات ماده «حشر» در ترجمه‌های فارسی قرآن

حاصل بررسی و تحلیل ترجمه‌های فارسی معاصر از واژه «حشر» که ۴۳ بار در آیات قرآن وارد شده است و از این بین، ۳۶ مورد آیه درباره قیامت است، به شرح ذیل است:

۴-۱) ترجمه آیتی

آیتی در ترجمه واژه «حشر» در ۳۰ مورد «گرد آوردن» و شش مورد معنای «محشور کردن» را معادل این واژه برگزیده است؛ مثلاً:

﴿...وَحَشْرَنَاهُمْ فَلَمَّ نَعَادِرُ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾ (الکهف/ ۴۷)؛ یعنی: «...و همه را برای حساب گرد می‌آوریم و یک تن از ایشان را هم رها نمی‌کنیم» (آیتی، ۱۳۷۴: ۲۹۹).

﴿قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى...﴾ (طه/ ۱۲۵)؛ یعنی: «گوئید: ای پروردگار من! چرا مرا نابینا محشور کردی...» (آیتی، ۱۳۷۴: ۳۲۰).

۲-۴) ترجمه الهی قمشه‌ای

الهی قمشه‌ای در ترجمه این واژه پراکندگی معنایی بسیاری را ملحوظ داشته است، به گونه‌ای که از ۳۶ موردی که این واژه آمده است، ۲۰ بار ترجمه «محشور کردن»، ۱۰ بار ترجمه «اجتماع (جمع کردن، گرد آوردن، حاضر کردن و فراهم کردن)»، ۲ بار ترجمه «برانگیختن» و ترجمه‌های «سوق دادن»، «جمع کردن + سوق دادن»، «جمع کردن + محشور کردن»، «مرگ (رجوع به سوی خدا)» هر کدام را یک بار ذکر کرده است.

﴿...وَالَّذِينَ يُخْشَرُونَ﴾ (المؤمنون / ۷۹)؛ یعنی: «... و حشر شما به سوی او خواهد بود» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۳۴۷).

﴿وَيَوْمَ يُخْشَرُهُمْ...﴾ (یونس / ۴۵)؛ یعنی: «و روزی که همه خلائق را جمع آرد» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۲۱۴).

﴿...وَحَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾ (الکهف / ۴۷)؛ یعنی: «...و همه را (در صف محشر از قبرها) برانگیزیم و یکی را فرونگذاریم» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۲۹۹).

﴿الَّذِينَ يُخْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ...﴾ (الفرقان / ۳۴)؛ یعنی: «آنان که به رو به سوی آتش دوزخ برندشان...» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۳۶۳).

﴿...وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُخْشَرُونَ﴾ (الأنفال / ۳۶)؛ یعنی: «... و کافران را به سوی جهنم جمعاً رهسپار سازند» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۱۸۱).

﴿يَوْمَ نَخْشِرُ الْمُتَّقِينَ إِلَىٰ الرَّحْمَنِ وَفِدًا﴾ (مریم / ۸۵)؛ یعنی: «(یاد آور) روزی که متقیان را به سوی خدای مهربان به اجتماع محشور گردانیم» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۳۱۱).

﴿...وَاعْلَمُوا أَنكُمْ إِلَيْهِ تُخْشَرُونَ﴾ (البقره / ۲۰۳)؛ یعنی: «و بدانید که به سوی خدا باز خواهید گشت» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۳۲).

۴-۲) ترجمه رضایی

رضایی در ترجمه این واژه در آیات گوناگون، یکسان‌سازی کاملی انجام داده است، به گونه‌ای که در همه موارد، جز در یک آیه که معنای «پراکنده شدن»^۹ را برمی‌گزیند، در بقیه موارد، معنای «گردآوری» را برای این واژه بیان می‌کند.

﴿وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ...﴾ (الأحقاف/ ۶)؛ یعنی: «و هنگامی که مردم گردآوری شوند» (رضایی، ۱۳۸۳: ۵۰۳).

﴿وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ﴾ (التکویر/ ۵)؛ یعنی: «و هنگامی که حیوانات وحشی پراکنده شوند» (رضایی، ۱۳۸۳: ۵۸۶).

۴-۴) ترجمه صفارزاده

در ترجمه صفارزاده، این واژه در آیات متعدده، پراکندگی بسیار زیادی از نظر معادل‌یابی در زبان فارسی مشاهده می‌شود؛ بدین معنا که ۱۳ بار ترجمه «محشور کردن»، ۱۳ بار ترجمه «اجتماع (گرد آوردن، جمع نمودن و فراهم نمودن)»، ۳ بار ترجمه «برانگیختن» و ترجمه‌های «جمع کردن + محشور کردن»، «روز محشر + محشور شدن»، «برانگیختن + گردآمدن»، «مرگ (رجوع به سوی خدا)»، «مرگ + گرد آمدن»، «روز محشر» و «کشیده شدن» هر کدام یک بار برای این واژه منظور شده است.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ...﴾ (الحجر/ ۲۵)؛ یعنی: «و ای پیامبر! مسلماً آفریدگار پروردگار توست که همگان را در روز موعود محشور می‌فرماید» (صفارزاده، ۱۳۸۰: ۵۸۸).

﴿... وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ﴾ (الأنفال/ ۳۶)؛ یعنی: «و کافران سرانجام به سوی دوزخ گرد آورده خواهند شد» (صفارزاده، ۱۳۸۰: ۴۱۱).

﴿وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا...﴾ (سبأ/ ۴۰)؛ یعنی: «و روزی که خداوند مشرکان را برای حسابرسی از گور برانگیزد» (صفارزاده، ۱۳۸۰: ۱۰۳۰).

﴿وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا...﴾ (الأنعام / ۱۲۸)؛ یعنی: «و روزی که خداوند همگان را جمع و محشور سازد» (صفارزاده، ۱۳۸۰: ۳۲۶).

﴿وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ...﴾ (الأنعام / ۵۱)؛ یعنی: «ای پیامبر! آن کسانی را که از روز رستاخیز و محشور شدن در محضر آفریدگار پروردگارشان بیم دارند» (صفارزاده، ۱۳۸۰: ۳۰۱).

﴿... وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾ (الکهف / ۴۷)؛ یعنی: «و مردمان همه را از گور برانگیزیم و گرد آوریم و هیچ یک را فرونگذاریم» (صفارزاده، ۱۳۸۰: ۶۸۸).

﴿... ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾ (الأنعام / ۳۸)؛ یعنی: «سرانجام تمام مخلوقات به سوی آفریدگار پروردگارشان بازگردانده می‌شوند» (صفارزاده، ۱۳۸۰: ۲۹۸).

﴿... وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ (المجادله / ۹)؛ یعنی: «ولی از دشمنی و نافرمانی و مخالفت با اوامر خداوند که بازگشت و گرد آمدن همگان به سوی اوست، بپرهیزید» (صفارزاده، ۱۳۸۰: ۱۳۲۹).

﴿وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً...﴾ (الأحقاف / ۶)؛ یعنی: «و در روز محشر، این معبودان دشمن پرستندگان خود خواهند شد» (صفارزاده، ۱۳۸۰: ۱۲۱۲).

﴿الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ...﴾ (الفرقان / ۳۴)؛ یعنی: «آنها که مثل خزندگان بر صورت‌هایشان به سوی آتش کشیده خواهند شد» (صفارزاده، ۱۳۸۰: ۸۵۱).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، نه تنها یک معادل مشخص برای این واژه انتخاب نشده است، بلکه پراکندگی بسیاری در ترجمه این واژه مشاهده می‌شود.

۴-۵) ترجمه فولادوند

در ترجمه فولادوند، بیان معادل این واژه در زبان فارسی، چهار معنای «محشور کردن: ۱۸ بار»، «گرد آوردن: ۱۵ بار»، «برانگیختن: ۲ بار» و «سوق دادن: ۱ بار» ذکر شده است.

- ﴿وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...﴾ (الفرقان / ۱۷)؛ یعنی: «و روزی که آنان را با آنچه به جای خدا می‌پرستند، محشور می‌کند» (فولادوند، ۱۴۱۵ق: ۳۶۱).
- ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا...﴾ (یونس / ۲۸)؛ یعنی: «و [یاد کن] روزی را که همه آنان را گرد می‌آوریم» (فولادوند، ۱۴۱۵ق: ۲۱۳).
- ﴿...وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا﴾ (طه / ۱۰۲)؛ یعنی: «و در آن روز مجرمان را کبودچشم برمی‌انگیزیم» (فولادوند، ۱۴۱۵ق: ۳۱۹).
- ﴿الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ...﴾ (الفرقان / ۳۴)؛ یعنی: «کسانی که - به رو درافتاده - به سوی جهنم رانده می‌شوند، آنان بدترین جای و گم‌ترین راه را دارند» (فولادوند، ۱۴۱۵ق: ۳۶۳).

۴-۶) ترجمه کاویان‌پور

- در ترجمه کاویان‌پور از این واژه، ۲۹ بار معنای «محشور کردن»، سه بار «جمع کردن»، دو بار «محشور کردن + جمع کردن» و ترجمه‌های «سوق دادن» و «مرگ (بازگشت به سوی خدا)» هر کدام یک بار را ملحوظ داشته است.
- ﴿...وَالَّذِينَ تُحْشَرُونَ﴾ (الملک/۲۴)؛ یعنی: «و به سوی او محشور می‌شوید» (کاویان‌پور، ۱۳۷۸: ۵۶۳).
- ﴿...وَحْشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا...﴾ (الأنعام / ۱۱۱)؛ یعنی: «و همه چیز را در مقابل آنها جمع می‌کردیم» (کاویان‌پور، ۱۳۷۸: ۱۴۲).
- ﴿وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يُحْشِرُهُمْ...﴾ (الحجر / ۲۵)؛ یعنی: «پروردگار تو همه مخلوقات را (روز قیامت) محشور و جمع خواهد کرد» (کاویان‌پور، ۱۳۷۸: ۲۶۳).
- ﴿وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ...﴾ (فصلت / ۱۹)؛ یعنی: «روزی که همه دشمنان خدا را به سوی آتش سوق دهند» (کاویان‌پور، ۱۳۷۸: ۴۷۸).

﴿... لِأَيِّ اللَّهِ تُحْشَرُونَ﴾ (آل عمران/۱۵۸)؛ یعنی: «به سوی خدا بازمی‌گردید» (کاویان‌پور، ۱۳۷۸: ۷۱).

۴-۷) ترجمه مجتبوی

در ترجمه مجتبوی، برای برگرداندن این واژه به زبان فارسی، ۲۰ بار معنای «برانگیختن + اجتماع (فراهم نمودن، گرد آوردن)»، ۱۰ بار معنای «برانگیختن» و ۶ بار معنای «اجتماع (فراهم کردن، گرد آوردن)» را برگزیده است.

﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مَّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا...﴾ (النمل/۸۳)؛ یعنی: «و روزی که از هر امتی گروهی از آنها که نشانه‌های ما را دروغ شمرد، برانگیزیم و فراهم آریم» (مجتبوی، ۱۳۷۱: ۳۸۴).

﴿ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ﴾ (ق/۴۴)؛ یعنی: «این برانگیختنی است که بر ما آسان است» (مجتبوی، ۱۳۷۱: ۵۲۰).

﴿... وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ...﴾ (آل عمران/۱۲)؛ یعنی: «و به دوزخ [رانده و] فراهم می‌شوید» (مجتبوی، ۱۳۷۱: ۵۱).

۴-۸) ترجمه مشکینی

در این ترجمه، واژه مورد بحث، ۲۹ بار به معنای «اجتماع (گرد آوردن جمع کردن)» و ۷ بار به معنای «محشور کردن» آمده است.

﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا...﴾ (الأنعام/۲۲)؛ یعنی: «و (به یاد آرند) روزی که همه آنان را (در صحنه قیامت) گرد می‌آوریم» (مشکینی، ۱۳۸۱: ۱۳۰).

﴿... وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ (طه/۱۲۴)؛ یعنی: «و روز قیامت او را نابینا محشور می‌کنیم» (مشکینی، ۱۳۸۱: ۳۲۰).

۹-۴) ترجمه مصباح‌زاده

در ترجمه مصباح‌زاده، برای برگردان واژه «حشر»، ۳۱ بار معنای «محشور کردن» و پنج بار نیز به معنای «اجتماع (جمع کردن، گرد آوردن)» در نظر گرفته شده است.

﴿... وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ (المجادله/ ۹)؛ یعنی: «و بترسید از خدایی که به سوی او حشر می‌شوید» (مصباح‌زاده، ۱۳۸۰: ۵۴۳).

﴿... وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى﴾ (طه/ ۵۹)؛ یعنی: «و آنکه جمع کرده شوند مردمان چاشتگاه» (مصباح‌زاده، ۱۳۸۰: ۳۱۵).

۱۰-۴) ترجمه معزی

در این ترجمه، واژه مذکور با پراکندگی کمتری معنا شده است؛ بدین معنا که مترجم ۳۰ بار «گرد آوردن»، ۳ بار «برانگیختن»، ۲ بار «خارج کردن» و ۱ بار نیز «مرگ (رجوع به سوی خدا)» را برای این واژه بیان کرده است.

﴿... وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ (المائدة/ ۹۶)؛ یعنی: «و بترسید خداوندی را که به سوی او گرد آورده شوید» (معزی، ۱۳۷۲: ۱۲۵).

﴿... ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ﴾ (ق/ ۴۴)؛ یعنی: «آن است برانگیختنی بر ما آسان» (معزی، ۱۳۷۲: ۵۲۰).

﴿... وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمًى﴾ (طه/ ۱۲۴)؛ یعنی: «و برون آریمش روز قیامت کور» (معزی، ۱۳۷۲: ۳۲۰).

﴿... وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ (الملک/ ۲۴)؛ یعنی: «و به سویش بازگردانیده شوید» (معزی، ۱۳۷۲: ۵۶۳).

۴-۱۱) ترجمه مکارم شیرازی

این ترجمه در برگردان این واژه پراکندگی نسبتاً کمی دارد؛ بدین معنا که ۱۶ بار معادل «محشور شدن»، ۱۵ بار معنای «اجتماع (جمع کردن، گرد آوردن)»، ترجمه‌های «برانگیختن» و «جمع کردن + محشور کردن» هر کدام ۲ بار و «روز حشر و رستاخیز» ۱ بار را برای این واژه در نظر گرفته است.

﴿...وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِّيًّا وَبُكْمًا وَصُمًّا...﴾ (الإسراء / ۹۷)؛ یعنی: «و روز قیامت، آنها را بر صورت‌هایشان محشور می‌کنیم، در حالی که نابینا و گنگ و کُرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۲۹۲).

﴿فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ...﴾ (مریم / ۶۸)؛ یعنی: «سوگند به پروردگارت که همه آنها را همراه با شیاطین در قیامت جمع می‌کنیم» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۳۱۰).

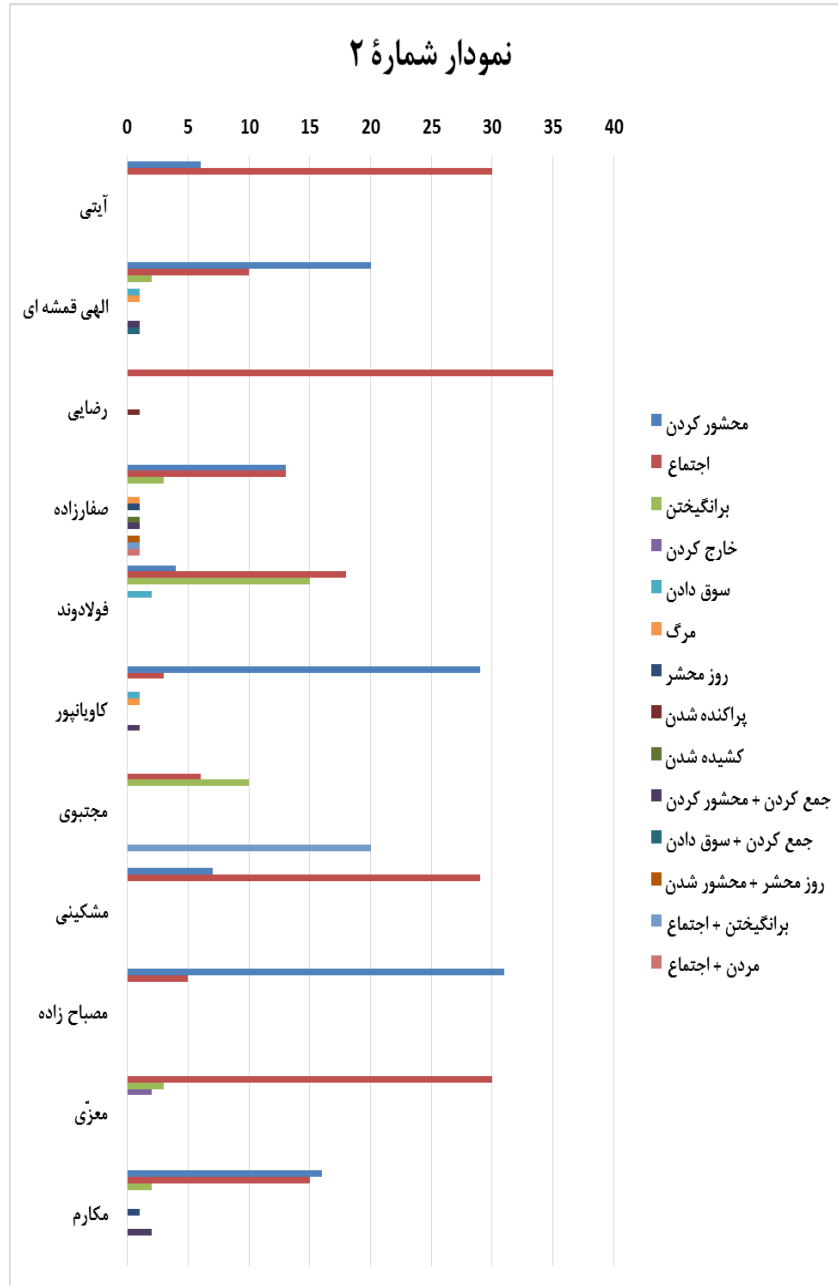
﴿...وَيَوْمَ يُحْشِرُهُمْ جَمِيعًا﴾ (سبأ / ۴۰)؛ یعنی: «(به خاطر بیاور) روزی را که خداوند همه آنان را برمی‌انگیزد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۴۳۳).

﴿...وَيَوْمَ يُحْشِرُهُمْ جَمِيعًا﴾ (الأنعام / ۱۲۸)؛ یعنی: «در آن روز که (خدا) همه آنها را جمع و محشور می‌سازد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۱۴۳).

﴿وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ...﴾ (الأنعام / ۵۱)؛ یعنی: «و به‌وسیله آن (قرآن)، کسانی را که از روز حشر و رستاخیز می‌ترسند، بیم ده!» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۱۳۳).

بنابراین، با بررسی ترجمه‌های مذکور، می‌توان چنین گفت که مترجمان معاصر در برگرداندن این واژه به زبان فارسی، معنای «محشور کردن»، «اجتماع (جمع کردن، گرد آوردن، حاضر کردن، فراهم کردن)»، «برانگیختن»، «خارج کردن»، «سوق دادن»، «مرگ (رجوع به سوی خدا)»، «روز محشر»، «پراکنده شدن»، «کشیده شدن»، «جمع کردن + محشور کردن»، «جمع کردن + سوق دادن»، «روز محشر + محشور شدن»، «برانگیختن + اجتماع»، و «مردن + اجتماع» را برای واژه «حشر» در نظر داشته‌اند. اما نکته قابل توجه در این ترجمه‌ها، پراکندگی و

عدم یکسان‌سازی درباره ترجمه این واژه است که در این میان، ترجمه صفارزاده پراکنندگی معنایی بیشتری نسبت به بقیه مترجمان در معادل‌سازی این واژه در زبان فارسی دارد، به گونه‌ای که ده ترجمه «محشور کردن»، «اجتماع (گرد آوردن، جمع نمودن و فراهم نمودن)»، «برانگیختن»، «جمع کردن + محشور کردن»، «روز محشر + محشور شدن»، «برانگیختن + گرد آوردن»، «روز محشر + محشور شدن»، «مرگ (رجوع به سوی خدا)»، «مرگ + گرد آمدن»، «روز محشر» و «کشیده شدن» را در مواضع متعدد برای این واژه در نظر گرفته است و در این میان، ترجمه رضایی که تنها در یک مورد (التکویر/ ۵)، معنای «پراکنده شدن» را برگزیده است و در بقیه موارد، ترجمه‌ای واحد و یکسان دارد که واژه «گردآوری» می‌باشد.



۵- بررسی و تحلیل ترجمه‌ها

در ارزیابی ترجمه واژه «حشر» و مشتقات آن، باید توجه کرد که صرف برگزیدن ترجمه‌های «محشور کردن»، «اجتماع (جمع کردن، گرد آوردن، حاضر کردن، فراهم کردن)»، «برانگیختن»، «سوق دادن»، «مرگ»، «خارج کردن» و «پراکنده شدن» برای این واژه به تنهایی درست به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در مواضع دیگر قرآن، این معانی متناسب با واژگان دیگر بیان می‌شود که در ذیل آمده است:

۵-۱) اجتماع: ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾ (آل عمران / ۹) و

۵-۲) برانگیختن: ﴿ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (البقره / ۵۶) و

۵-۳) سوق دادن: ﴿يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفِدًا * وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَرُذًى﴾ (مریم / ۸۶) و

۵-۴) مرگ (رجوع به سوی خدا): ﴿... إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (البقره / ۱۵۶) و

۵-۵) خارج کردن: ﴿... وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي...﴾ (المائده / ۱۱۰) و

۵-۶) پراکنده شدن: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾ (آل عمران / ۱۰۳) و

۵-۷) کشیده شدن: ﴿يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ...﴾ (القمر / ۴۸).

اما اینکه رضایی در برگزیدن معنای «پراکنده شدن» در آیه می‌نویسد: «مقصود از «حشر» حیوانات وحشی در آستانه رستاخیز، پراکنده شدن آنها در اثر وحشت از حوادث آن روز است، چون ظاهراً شش آیه اول سوره تکویر، از مرحله اول رستاخیز و حوادث هولناک آن سخن می‌گویند و هنوز به مرحله دوم، یعنی زنده شدن و گرد آمدن موجودات در صحنه رستاخیز، سخنی به میان نیامده است» (رضایی، ۱۳۸۷، ج ۲۲: ۸۹). این سخن به نظر صحیح نمی‌رسد؛ زیرا اولاً همان‌گونه که ذکر شد، معادل «پراکنده شدن»، در زبان عربی «فَرَّقَ» است، نه «حشر». ثانیاً در آیات متعددی نیز پیرامون موضوع‌های گوناگون، همچون بیان مراحل خلقت و

دیگر موضوعها دیده شده که گاهی برخی از مقدمات را ذکر، گاهی نتیجه و گاهی نیز هر دو را ذکر می‌کند^{۱۰}. بنابراین، برگزیدن این وجه در تفسیر آیه مناسب است، نه در ترجمه؛ زیرا در ترجمه، واژه در نظر گرفته می‌شود. همچنین در ترجمه «محشور کردن» از واژه «حشر»، این نکته را باید در نظر داشت که در ترجمه باید واژه را صحیح و دقیق به زبان مقصد برگردانیم، نه اینکه همان واژه را که در زبان مبدأ است و مخاطبان زبان مقصد نسبت به آن دارای ابهام هستند، به همان صورت برگردانیم. لذا چنین معنایی نه تنها سبب اقناع و فهم مخاطب نمی‌شود، بلکه ابهامی را در ذهن او شکل می‌دهد. بر این اساس، معانی فوق برای واژه حشر، در حالی که خود معادل واژگانی دیگر هستند، قطعاً مفهومی واقعی و حقیقی این واژه را انعکاس نمی‌کند.

پیرامون معادل‌های دو مفهومی از ترجمه این واژه نیز باید توجه کرد که معادل‌های «جمع کردن + محشور کردن» و «روز محشر + محشور شدن» - چنان‌که گفته شد - به دلیل مبهم بودن خود واژه «حشر»، مقصود گوینده را به درستی منتقل نمی‌کند. اما مفاهیم «برانگیختن + اجتماع (فراهم کردن، گرد آوردن)» و «مردن + گرد آمدن» نیز از معانی مناسبی برای این واژه برخوردار نیستند؛ زیرا همان‌گونه که قبلاً یاد شد، قیدهایی معانی «برانگیختن و مردن» از دامنه معنایی این واژه خارج هستند.

چنان‌که تنها الهی قمشه‌ای در ترجمه آیه ﴿...وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ﴾ (الأنفال / ۳۶) چنین گفته است: «و کافران را به سوی جهنم جمعاً رهسپار سازند». وی این ترجمه را به صورت نسبی ارائه داده است و بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که در ترجمه این واژه، «جمع نمودن و سوق دادن به سوی قیامت» همراه با قید «اجبار» برای این واژه در ترجمه‌ها لحاظ شود؛ بدین معنا که تمام موجودات [پس از مرگ برانگیخته شده،] با اجبار جمع و به سوی قیامت سوق داده می‌شوند؛ به عنوان نمونه، آیه زیر بدین‌گونه ترجمه می‌شود:

﴿...فَسَيُحْشَرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا﴾ (النساء / ۱۷۲)؛ یعنی: «به زودی همه آنها را جمع کرده و

با اجبار به سوی قیامت و به سوی او سوق می‌دهیم».

نتیجه‌گیری

حاصل پژوهش حاضر، بعد از بررسی ۳۶ آیه پیرامون ماده «حشر» و مشتقات آن در قرآن و در حوزه معنایی معاد، در کتب لغت، وجوه و نظائر و تفاسیر و نیز پاره‌ای از ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن (مثل آیتی، الهی قمشه‌ای، رضایی، صفارزاده، فولادوند، کاویان‌پور، مجتبوی، مشکینی، مصباح‌زاده، معزی و مکارم شیرازی)، با هدف ارائه معنای دقیق از ماده «حشر» در آیات مربوط به حوزه معنایی قیامت، به‌ویژه ترجمه‌های فارسی «جمع نمودن و سوق دادن به سوی قیامت» همراه با قید «اجبار» است که ترجمه‌های فارسی معاصر در افاده این معنا به بخش‌هایی از این معنا و قیده‌های آن اشاره کرده‌اند و ترجمه‌ای که به تمام آن قیده‌ها اشاره کرده باشد، در هیچ یک از آیات مذکور وجود ندارد، جز یک مورد که نزدیکترین ترجمه را نسبت به معنای مورد نظر دارد و در ترجمه الهی قمشه‌ای، آیه ﴿...وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ﴾ (الأَنْفَال / ۳۶) چنین آمده است: «و کافران را به سوی جهنم جمعاً رهسپار سازند».

پی‌نوشت‌ها

- ۱- از جمله آیه ۲۰۳ سوره بقره، آیه ۱۲ سوره آل عمران و ... که بقیه آیات در ادامه مقاله ذکر خواهد شد.
- ۲- مانند؛ الأضداد فی کلام العرب اثر ابوالطیب اللغوی در سال ۸۹۲ قمری در دمشق، صص ۱۳۸-۱۳۹ و
- ۳- به عنوان نمونه؛ الهوملة الدوسری، محمد بن فرحان. (۱۴۳۰ق). الأضداد فی القرآن الکریم عند المفسرین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن. به راهنمایی بدرین ناصر البدر و مشاوره حسن بن محمد الحفظی. دانشگاه الإمام محمد بن سعود الإسلامیة. کلیة أصول الدین قسم القرآن و علوم. صص ۱۹۴-۱۹۷ و
- ۴- آن دسته از آیات که با وجود واژه «حشر» و مشتقات آن در آنها، از موضوع قیامت خارج است، عبارتند از: (النَّازِعَات / ۲۳؛ النَّمل / ۱۷؛ الأعراف / ۱۱۱؛ الشعراء / ۳۶ و ۵۳؛ ص / ۱۹ و الحشر / ۲).

۵- هرچند فراهیدی معنای «موت» را به عنوان قول ضعیف (قیل: هو الموت) از دیگران نقل می‌کند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق.، ج ۳: ۹۲).

۶- اطلاق این واژه درباره انسان و غیرانسان عبارت است از:

* انسان: ﴿وَ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ﴾ یا «النَّسَاءُ لَا يُحْشَرْنَ: زنان برای جنگ خارج نمی‌شوند».

* غیرانسان: ﴿وَ الطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَابٌ﴾ (ص/۱۹) یا «حَشَرَتِ السَّنَةُ مَالَ بَنِي فُلَانٍ: قحطی و خشکسالی مال آنها را از بین برد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق.، ۲۳۷).

۷- اُضْدَاد، کلماتی هستند که دارای دو معنای متضاد هستند؛ مانند واژه «حمیم» که دو معنای متضاد «سرد» و «گرم» است (ر.ک؛ بطرس، ۱۴۲۴ق.، ۹). باید توجه داشت که این واژه از الفاظ اُضْدَاد نیست؛ زیرا همان گونه که بیان شد، واژگان اُضْدَاد به آن دسته از واژگان اطلاق می‌گردد که دارای دو معنای متضاد باشند، به گونه‌ای که اجتماع آنان در یک زمان ممکن نباشد، در حالی که این دو معنا در تضاد نیستند، بلکه مخالف یکدیگر هستند؛ زیرا مقابل «جمع»، «فرد» است و مقابل «موت»، «حیات» است.

۸- آلوسی در نقد برگزیدن معنای «برانگیختن» برای این واژه، معتقد است که «حشر» عبارت است از «جمع کردن» بعد از «حی و بعث» (ر.ک؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱: ۴۹۰)، لذا از قول ابن‌عبّاس نقل می‌کند که حشر حیوانات، همان مرگ است. لذا مراد از آن را به دلیل حدیث «مَنْ مَاتَ فَقَدْ قَامَتْ قِيَامَتُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۵۸: ۷) مجموعه‌ای می‌داند که مستعار از مرگ است و بنابراین، از حشر، معنای برانگیختن از یک مکان به مکانی دیگر اراده نمی‌شود، چون مرگ، علاوه بر اینکه مشتمل بر منتقل شدن از دنیا به آخرت است، بر ترساندن مخاطب و سخت کردن حال نیز اشاره دارد (ر.ک؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق.، ج ۴: ۱۳۸).

۹- رضایی با وجود اینکه در موارد دیگر، معنای «گرد آوردن» را برگزیده است، در جایی دیگر (تفسیر قرآن مهر) دلیل برگزیدن این معنا را برای این واژه چنین بیان می‌دارد: «مقصود از «حشر» حیوانات وحشی در آستانه رستاخیز، پراکنده شدن آنها در اثر وحشت از حوادث آن روز است، چون ظاهراً شش آیه اول سوره تکویر، از مرحله اول رستاخیز و حوادث هولناک آن سخن می‌گویند و هنوز به مرحله دوم، یعنی زنده شدن و گرد آمدن موجودات در صحنه رستاخیز، سخنی به میان نیامده است» (رضایی، ۱۳۸۷، ج ۲۲: ۸۹).

۱۰- با دقت در آیات ذیل، کاملاً مشخص است که در سوره مؤمنون تمام مراحل خلقت انسان بیان شده، اما در سوره حج، تنها بخشی از آن بیان گردیده است، چنان که می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ (المؤمنون / ۱۴-۱۲)؛ ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تَرَابٍ ثُمَّ مِّن نُطْفَةٍ ثُمَّ مِّنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَتُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ...﴾ (الحج / ۵).

منابع و مآخذ

- قرآن کریم. (۱۳۷۴). ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: انتشارات سروش.
- _____ . (۱۳۸۰). ترجمه مهدی الهی قمش‌ای. چاپ دوم. قم: انتشارات فاطمه الزهراء.
- _____ . (۱۳۸۳). ترجمه محمدعلی رضایی اصفهانی و دیگران. چاپ اول. قم: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر.
- _____ . (۱۳۸۰). ترجمه طاهره صفارزاده. چاپ دوم. تهران: مؤسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر.
- _____ . (۱۳۷۸). ترجمه احمد کاویان‌پور. چاپ سوم. تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
- _____ . (۱۴۱۵ق). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تحقیق هیئت علمی دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی). چاپ اول. تهران: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- _____ . (۱۳۷۱). ترجمه جلال‌الدین مجتبوی. تحقیق و ویراستاری حسین استادولی. چاپ اول. تهران: انتشارات حکمت.
- _____ . (۱۳۸۱). ترجمه علی مشکینی. چاپ دوم. قم: الهادی.
- _____ . (۱۳۸۰). ترجمه عباس مصباح‌زاده. چاپ اول. تهران: سازمان انتشارات بدرقه جاویدان.
- _____ . (۱۳۷۲). ترجمه محمد کاظم معزی. چاپ اول. قم: انتشارات اسوه.
- _____ . (۱۳۷۳). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. چاپ دوم. قم: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).

- آلوسی، محمود. (۱۴۱۵ق.). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق عبدالباری. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن سلیمان بلخی، مقاتل. (۲۰۰۶م.). *الوجوه و النظائر فی القرآن العظیم*. تحقیق حاتم صالح الضامن. دبی: مرکز جمعة الماجد للثقافة و التراث.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق.). *معجم مقاییس اللغة*. تحقیق محمد عبدالسلام هارون. چاپ اول. قم: مکتب الاعلام الإسلامی.
- ابن منظور، محمدبن مکرم. (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. چاپ سوم. بیروت: دار صادر.
- بُطرس، أنطونیوس. (۱۴۲۴ق.). *المعجم المفصل فی الأضداد*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). *تسنیم*. تحقیق سعید بندعلی. چاپ سوم. قم: انتشارات اسراء.
- حسینی زبیدی، محمدمرتضی. (۱۴۱۴ق.). *تاج العروس*. تحقیق علی شیری. چاپ اول. بیروت: دارالفکر.
- حلبی اللغوی، أبوطیب عبدالواحد بن علی. (۱۹۶۳م.). *الأضداد فی کلام العرب*. تحقیق عزة حسن. بی جا: مجمع دمشق.
- دامغانی، حسین بن محمد. (۱۹۸۰م.). *قاموس القرآن أو اصلاح الوجوه و النظائر فی القرآن*. تحقیق عبدالعزیز سیّد الأهل. بیروت: دار العلم للملین.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۷). *تفسیر قرآن مهر*. چاپ اول. قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق.). *مفردات ألفاظ القرآن*. چاپ اول. بیروت: دارالقلم.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق.). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. چاپ سوم. بیروت: دارالکتاب العربی.
- سجستانی، أبوحاتم. (۱۴۱۱ق.). *الأضداد*. تحقیق محمد عبدالقادر أحمد. القاهرة: مکتبة النهضة المصریة.
- صغانی، حسن. (۱۴۰۹ق.). *الأضداد*. تحقیق محمد عبدالقادر أحمد. القاهرة: مکتبة النهضة المصریة.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ پنجم. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

- طبری، ابوجعفر. (۱۴۱۲ق.). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول. بیروت: دارالمعرفة.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تحقیق احمد حسینی اشکوری. چاپ سوم. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد. (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. تحقیق احمد قصیر عاملی. چاپ پنجم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عسکری، ابوهلال. (۲۰۰۷ م.). *الوجوه والنظائر*. القاهرة: مكتبة الثقافة الدينية.
- عود، هارون بن موسی. (۱۴۰۹ق.). *الوجوه والنظائر فی القرآن الکریم*. بغداد: دایرة الآثار والتراث.
- فخر رازی، ابوعبدالله. (۱۴۲۰ق.). *مفاتیح الغیب*. چاپ سوم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق.). *کتاب العین*. چاپ دوم. قم: نشر هجرت.
- فضل الله، محمدحسین. (۱۴۱۹ق.). *تفسیر من وحی القرآن*. چاپ دوم. بیروت: دار الطباعة والنشر.
- فیومی، احمدبن محمد. (۱۴۱۴ق.). *المصباح المنیر*. چاپ دوم. قم: مؤسسه دارالهجرة.
- قرطبی، محمد. (۱۳۶۴). *الجامع الأحكام القرآن*. چاپ اول. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار*. چاپ دوم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.